

نقد و بررسی
نقد و بررسی

کاغذ

مهمترین نیاز در صنعت نشر

ناصر میرزایی



○ کاغذ (از مجموعه کتابهای مرجع نشر)

○ زیر نظر: محمد رنجبری

○ ترجمه و تالیف: علیرضا پورممتاز و شهره مدرسی

○ خانه کتاب ایران، ۱۳۸۰

قبل از معرفی کتاب کاغذ، به نظر می‌رسد لازم است پاره‌ای مفاهیم اساسی نشر توضیح داده شود. در بسیاری از کاربردهای این کلمه، نشر را صنعت به حساب می‌آورند. صنعت کاربرد فن‌آوری‌ها در تولید محصولات در مقیاسهای بزرگ است. کتاب و نشر از جهت‌های مختلفی صنعت در نظر گرفته می‌شود:

۱. از جهت وسعت تولید محصول نهایی که همان کتاب است و

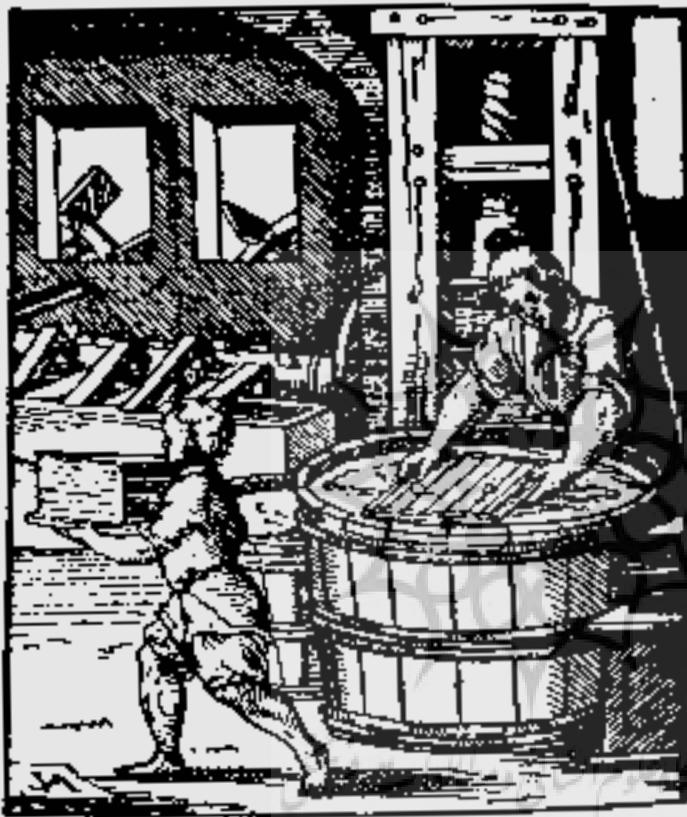
۲. از نظر توقع بسیار بالای فن‌آوری‌های مورد استفاده در تولید و انتشار کتاب. به این معنا، مجموعه کتابهای مرجع نشر در حقیقت مجموعه کتابهای مرجع یک صنعت هستند. از این رو، لازم است از زبان رایج صنعت استفاده کنند. زبان رایج صنعت را هم‌اکنون استاندارد یا استاندارد می‌نامند که خوشبختانه استانداردهای کشورهای مختلف با پیشرفت علوم و فن‌آوری‌ها به سویی رفته‌اند که توافقی روی ایجاد استانداردهایی بین‌المللی و

اگر تمام اجزای نظام تولید و نشر کتاب و مطبوعات انسجام یافته و روابط تعریف شده و مشخص باشد و انتخابها مبتنی بر معیارهایی ثابت و معین باشد، فشار و دشواری بسیاری از کارها را گروه پرتعدادتری تحمل می‌کنند و در نتیجه از مشقت کار کاسته می‌شود، گوا اینکه در مقوله کتاب سلیقه و هنر باعث می‌شود از دشواری کارهای نفیس کاسته نشود، اما در هر صورت دستیابی به اهداف فوق در اغلب موارد کارساز و چاره‌ساز خواهد بود. دست اندرکاران مجموعه کتابهای مرجع نشر کوشیده‌اند مجموعه‌ای از اطلاعات و راهکارها را در اختیار دست اندرکاران تولید و نشر کتاب قرار دهند که حاصل آنها افزایش سطح درک متقابل و تفاهم بین اجزای دخیل در کار تولید کتاب است.

مجموعه کتابهای مرجع نشر که کتاب کاغذ یکی از آن هفت کتاب است عبارتند از: کاغذ، آماده سازی، چاپ، صحافی، نشر و توزیع کتاب، حقوق نشر، نمایشگاههای کتاب.

حال بعد از چاپ کتاب کاغذ امید است به همت دست اندرکاران این مجموعه کتابهای بعدی نیز انتشار یابد تا در بهره‌وری از توانمندی‌های صنعت نشر کشور موثر واقع شود.

نمایی از یک کارگاه کاغذسازی دستی



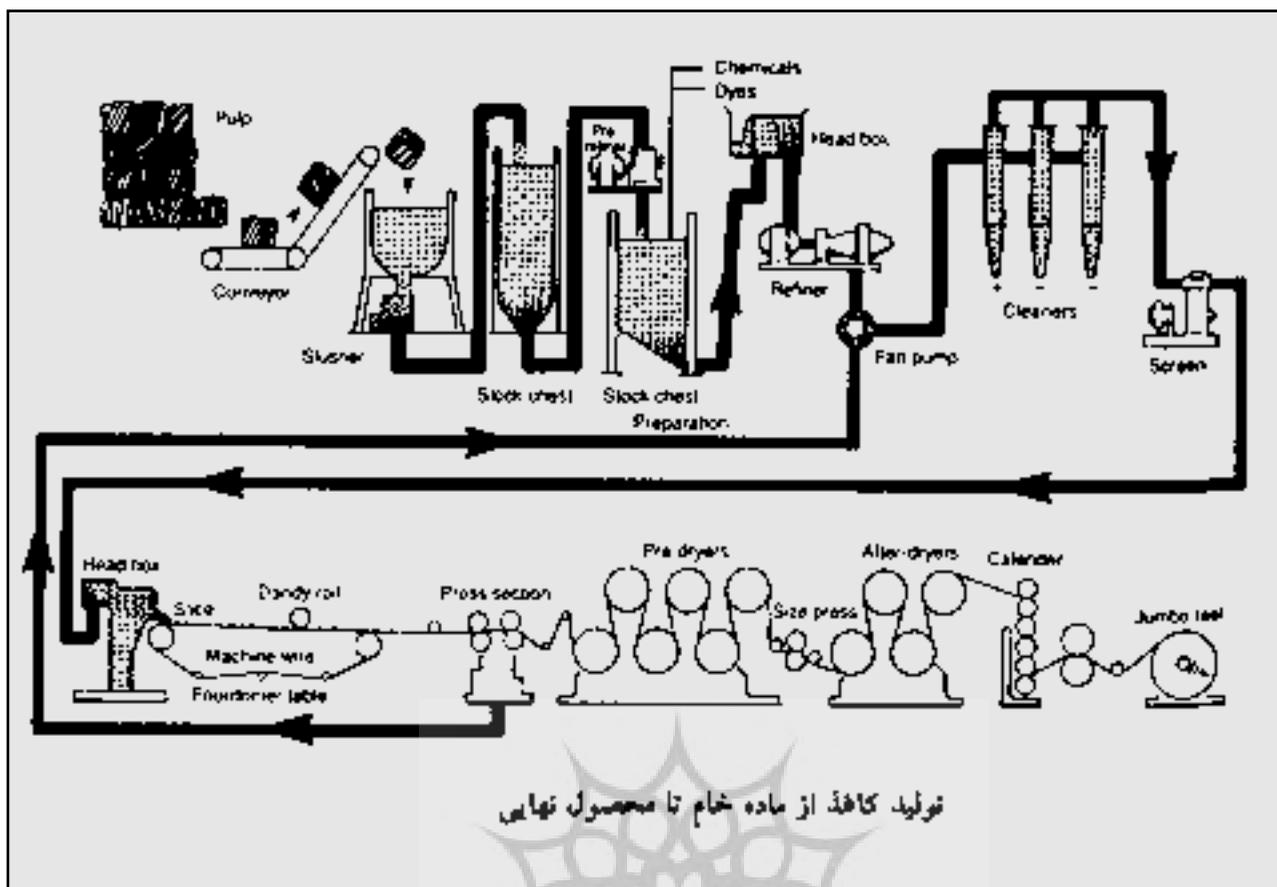
فراگیر به وجود آید. این بدان معنا است که هر مقدار علوم و فن‌آوری‌های مورد استفاده در صنعتی به سمت کمال که هویتی واحد و یکتا دارد نزدیک می‌شود، در مکان‌های مختلفی که از این موضوع مشترک صحبت به میان می‌آید، مشابهت بیشتری دیده می‌شود. به همین دلیل است که می‌بینیم در حال حاضر استانداردهای بین‌المللی جایگزین بسیاری از استانداردهای ملی شده‌اند.

اما کتاب از نظر پیوندهای فرهنگی و هنری موجود در مجموعه تولیدکننده آن از تالیف تا توزیع، نتوانسته است خود را به‌طور کامل با زبان رایج صنعت یعنی همان استانداردها وفق دهد. در اینجا دوباره این بحث مطرح می‌شود که آیا یکسان‌سازی زبان این صنعت به معنای لطمه رساندن به پیوندهای فرهنگی و هنری است؟ پاسخ این سؤال نیاز به بحثی مفصل دارد، اما آنچه واضح است این است که در جهان کنونی که مهمترین جنبه آن غلبه ارتباطات بین‌اجزای آن است، حتی اگر به این پیوندهای فرهنگی و هنری لطمه وارد آید، بهتر است برای بقا در این گستره وسیع جهانی به سوی زبانهای رایج برویم تا امکان ارتباط و مبارزه فرهنگی به واسطه کتاب بهتر و بیشتر فراهم آید. بسیاری از تعلقات و محدودیتهای ناشی از پیوندهای فرهنگی و هنری تابع سنتهای رایجی است که پشتوانه پژوهشی و تحقیقاتی ندارند و صرفاً به جهت تقدم کاربرد، اولویت یافته‌اند. البته اولویت کاربرد باعث آشنایی دست‌اندرکاران با آنها نیز شده است که همین عامل سبب ایجاد تمایلی بیشتر به سمت آنها می‌شود.

در کتابهای مجموعه مرجع نشر، با ارائه اطلاعاتی در پیوند با هر موضوع کاربردی زمینه‌هایی فراهم می‌آید که اولویتها و ارجحیتهای کاربردی به جهت سنت جاری و رایج از روشهای مبتنی بر اصالت جدا شوند. ضمن حفظ اصالتها در مواردی که صرفاً بحث کاربرد فن‌آوریهای جدید است، دست‌اندرکاران نشر به سویی سوق داده می‌شوند که بتوانند از استانداردهای رایج بین‌المللی استفاده کنند. برای مثال، در بحث قطع کتاب مسائل و مباحث متعددی وجود دارد که روی تصمیم‌گیری ناشر و مولف برای انتخاب قطع کتاب تاثیر می‌گذارد. اما اگر در انتخاب قطع کتاب از استانداردها استفاده شود اسامی رایج و مرسوم چندان به گوش نخواهد خورد یا حداقل، اندازه‌ها و معیارهای جاری چندان در محاسبات وارد نمی‌شود از این جهت ممکن است برای کهنه‌کاران صنعت نشر سوءتفاهماتی در پیوند با جدید بودن یا ناشیانه بودن شیوه و روش کار تداعی گردد. اما در اساس آنچه انجام می‌پذیرد همان شیوه قدیم است،

اما با اندازه‌ها و معیارهایی جدید که می‌تواند ما را به زبان رایج بین‌المللی نزدیک کند. برای مثال، در انتخاب قطع کتاب، اگر صرفاً زیبایی و طرح صفحات کتاب در نظر گرفته شود، توزیع کتاب در سطح بین‌المللی میسر نخواهد شد. اگر بنا باشد کتاب در خارج از کشور نیز توزیع شود، به بسته‌بندی ویژه‌ای برای حمل و نقل کتاب نیاز خواهیم داشت تا در طی مسیر از آسیب رسیدن به کتاب جلوگیری کند. در این صورت، باید از لوازم و تجهیزات و مواد مصرفی بسته‌بندی استاندارد استفاده شود.

اگر حتی بازار خارجی را در نظر بگیریم، در صورتی که روال حاکم بر بازار تولید و نشر کتاب شیوه و زبانی واحد را ملاک عمل قرار دهد، وسایل، لوازم و تجهیزات و مواد مصرفی این صنعت نیز به جهت یکتایی زبان و معیارهای آنها به سویی خواهند رفت که تولید صنعتی آنها صرفاً اقتصادی داشته باشد. برای مثال، اگر کارخانه کاغذسازی



بررسی قرار گرفته است. برای مثال، در بحث مرکب دوباره ارتباط مرکب با کاغذ مطرح می‌شود. در بحث طراحی کتاب با توجه به مسائل زیبایی و نوع مخاطب و کاربرد آن دوباره به کاغذ می‌رسیم. در بحث ماشینهای چاپ و صحافی نیز مطالبی در پیوند با کاغذ مطرح خواهد شد که به طور ویژه و خاص در کتاب کاغذ به آنها پرداخته نشده است، بلکه کلیات آنها مطرح شده است. با نگاهی به فهرست کتاب، اهم مسائل مورد توجه دست‌اندرکاران آن را می‌توان دریافت. فهرست مطالب کتاب به شرح زیر است: کاغذ و تاریخچه آن، تولید کاغذ و مواد اولیه آن، عوامل موثر در عمر و کیفیت کاغذ، مواد و مصالح چاپ: کاغذ، کاغذ و روش‌های چاپ، اشکالات چاپی مربوط به سیستم چاپ و کاغذ، راه‌های مقابله با اشکالات چاپی و رفع عیب آنها، عملیات ویژه روی کاغذ، انتخاب قطع کتاب، تولید در قطع‌های غیراستاندارد، مرکب افست ورقی برای کاغذ و مقوا، انتخاب درست کاغذ، محاسبات درست برای انتخاب کاغذ، سفارش کاغذ و مشخصات مورد نیاز، مشکلات کاغذ، استانداردها، روش‌های آزمایش کاغذ، ضوابط کتاب.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعداد فصول کتاب نسبتاً زیادتر از حد معمول است، اما تقسیم‌بندی آنها به تعداد بیشتری از فصول، برای سهولت ارجاع به آنها بوده است. در مواردی نیز نزدیکی بسیار زیاد محتوای بعضی از فصول این احساس را به وجود می‌آورد که شاید بهتر بود این فصول از هم جدا نمی‌شد. برای مثال،

بخواهد جعبه‌هایی مخصوص کتاب تولید کند هر ناشر به ذوق و سلیقه خود اندازه‌ای متفاوت برای کتابهای خود دارد، هر کارتن یا جعبه‌ای که برای کتاب ساخته شود فقط به سفارش یا مختص یک ناشر خواهد بود. در صورتی که اگر استانداردهای ثابتی در انتخاب اندازه و قطع کتاب به کار گرفته شود، همه ناشران می‌توانند از کارتنها و جعبه‌های یکسانی در بسته‌بندی استفاده کنند. همین بحث را می‌توان به تمام لوازم و تجهیزات و امکانات مورد استفاده در نشر و پخش و تولید کتاب تعمیم داد.

با توجه به این مقدمات در مجموعه کتابهای مورد بحث، بیش از آن‌که به شیوه‌های رایج تولید کتاب در کشور پرداخته شود به استانداردها یا استانداردهای بین‌المللی توجه شده است تا راهگشای‌گسترش صنعت نشر در سطح بین‌المللی باشد. البته مسلم است که این نوع نگرش اعتراضاتی را نیز به دنبال خواهد داشت و گروهی از کاربران کتاب از آن رضایت نخواهند داشت، زیرا مطالب کتاب مطابق با سنتها و شیوه‌های رایجی که در ذهن آنها جای گرفته است نیست. مجموعه مرجع نشر روالی پیوسته از مرحله تالیف و آماده‌سازی کتاب تا نشر و پخش آن را دربر می‌گیرد. در بخش مواد و مصالح چاپ و نشر مهمترین قسمت، کاغذ است که مجلدی جداگانه برای آن انتشار یافته است. کتاب کاغذ دربرگیرنده تمام مطالبی که ناشر باید از کاغذ بداند نیست، زیرا پاره‌ای از مسائل که در مراحل دیگر پیوندی غیرمستقیم با کاغذ دارد در جایگاه خود مورد بحث و

نمایی از یک ماشین کاغذ سازی مدرن



آنچه در کاغذ و تاریخچه آن گنجانده شده است با مطالب فصل دوم یعنی تولید کاغذ و مواد اولیه آن قرابت و نزدیکی زیادی دارد. اما در فصل اول جنبه تاریخی مسئله از نظر روشهای تولید و شیوه‌های قدیم آن ارجحیت دارد.

نحوه ارائه مطالب در ساختار کلی این کتاب تا حدی متفاوت با روالهای رایج است و دست‌اندرکاران کتاب تلاش کرده‌اند با تقویت مبانی و پایه‌های نظری اطلاعات ناشر از مواد و مصالح سازنده کاغذ و روشهای تولید آن، ناشران مفاهیمی اساسی را بیاموزند که می‌تواند مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری‌ها در انتخاب روشها و مواد و مصالح باشد. برای مثال، در بحث پیرامون نبود ارتباط در چاپ چند رنگ به علت تغییر اندازه‌های کاغذ در اثر تغییر رطوبت آن که ناشی از فرایند چاپ است به دو روش می‌توان عمل کرد. در روش اول صرفاً گفته می‌شود که اگر بنا باشد چاپ چند رنگ باشد تحت چه شرایطی از چه کاغذهایی باید استفاده شود و کاغذها بر اساس راه آنها چگونه در ماشین چاپ قرار داده شوند. اما در روشی دیگر می‌توان مکانیزم یا سازوکار تغییر ابعاد کاغذ در اثر تغییر رطوبت را به صورتی تشریح کرد که بر اساس آن ناشر تحت هر موقعیتی بتواند با استدلالی مشابه راجع به راه کاغذ، نوع آن، میزان آب چاپ، و زمان بندی مراحل چاپ به تصمیم‌گیری و استدلالی مشابه برسد که در همین مورد کلیدی‌ترین موضوعی که باید به آن توجه کرد این است که الیاف کاغذ در اثر رطوبت بیشتر افزایش ضخامت دارند تا افزایش طول. پارامتری که باید در استدلالهای

مربوط به این اشکال به کار گرفته شود افزایش ضخامت تارها و در نتیجه افزایش بعد کاغذ در امتداد عمود بر ضخامت تارهای کاغذ است. به این ترتیب، مسلم است که هر چه تارهای کاغذ ریزتر و ساختار آنها پیچیده‌تر باشد این تغییر ابعادی تأثیرات منفی کمتری خواهد داشت.

مطالبی نظیر روش تولید کاغذ با دست یا تاریخچه‌ای که از تولید کاغذ داده شده است و همچنین مواد و مصالح شیمیایی مورد استفاده در کاغذ نیز با همین نیت به کتاب افزوده شده است.

در قسمتهای دیگر کتاب، بخصوص در مواردی که به اشکالات چاپ در پیوند با روشهای چاپی مرکب و مانند آنها پرداخته می‌شود، ضمن رعایت همین اصل به جهت پیچیدگی بیشتر مسائل مربوط به توجیه علمی تأثیراتی که مشاهده می‌شوند، توضیحاتی کلی ارائه شده است و به مبانی فیزیکی و شیمیایی فرایندهای دخیل در ایجاد این تأثیرات پرداخته نشده است. در قسمتهایی که مستقیماً با استانداردهای کاغذ سر و کار داشته است به علت نبود استانداردهای ملی ارجاع به استانداردهای بین‌المللی داده شده است.

بسیاری از واژگانی که در کتاب به کار رفته است، منطبق بر کاربردهای جاری و رایج بازار کاغذ و نشر کتاب است. در مواردی نیز از لغتهای ناآشنا استفاده شده است. دلیل آن وجود مشابه‌های دیگر در زبانهای خارجی است که به علت‌های مختلف کاربرد آنها در زبان انگلیسی وارد نشده است. برای مثال، هنگامی که بحث



دقیقت و علمی‌تر مواد و مصالح چاپ، واژگان مناسب‌تری برای این لغتها پیشنهاد شود. این موضوع درباره کاغذ و مرکب اهمیت و گستردگی زیادی دارد، زیرا نما و ظاهر زیبا یا تاثیرگذار کار چاپی تا حد زیادی به نوع کاغذ و مرکب مورد استفاده در تولید کتاب مربوط می‌شود. در پایان کتاب، بخش نسبتاً مفصلاً به اصطلاحات و واژگان کاغذ اختصاص داده شده است.

اما جدا از واژه‌نامه که بسیاری از معادلهای انگلیسی واژگان به کار رفته در کتاب را به دست می‌دهد، تعداد زیادی از لغتهای انگلیسی نیز در برابر نهادهای فارسی آنها در متن گنجانده شده‌اند تا از تعداد ارجاعات خواننده به واژه‌نامه کاسته شود و همین موضوع خود دلیلی بر کاستی‌های زبان رایج در صنعت چاپ و نشر است چرا که بسیاری از لغتهای رایج در این صنعت تعاریف دقیق ندارند و در نتیجه کاربرد آنها در متن نمی‌تواند خواننده را به مفهوم دقیق مورد نظر نویسنده برساند. برای مثال، هنگامی که بحث از زمینه رنگی، قوام رنگ، یک‌دستی، انطباق، ته‌مایه یا ته‌رنگ، فام و لغتهای مشابه می‌شود نمی‌توان با اطمینان به مقصود و نظر نویسنده متن رسید. در این گونه موارد، لغت انگلیسی نیز در مقابل کلمه فارسی در متن گنجانده شده است تا ارجاع به مفاهیم و معانی تعریف شده برای آن ساده‌تر گردد.

نکته دیگری که درباره مجموعه کتابهای مرجع نشر وجود دارد آرایش کتاب با حاشیه‌ای در طرفین صفحات زوج و فرد است که دو کاربرد دارد. کاربرد اول درج نکات کلیدی و مهمتر متن در حاشیه برای ارجاع سریعتر به آنها و کاربرد دوم تاکید دست‌اندرکاران کتاب بر یادداشت‌برداری و حاشیه‌نویسی خوانندگان در کتاب است. رایج است که بسیاری از کتابهای مرجع درسی و آموزشی به این سبک آراسته شوند تا امکان این وجود داشته باشد که خواننده در همان محلی که به نکته‌ای برخورد می‌کند برداشتهای خود را نیز یادداشت کند تا در مطالعه و ارجاعات بعدی به کتاب مورد استفاده او قرار گیرد. علت نیز این است که در کتابهای آموزشی و مرجعی از این نوع هیچ زمان مولف مدعی نمی‌شود که توانسته است تمام حق مطلب را ادا کند و انتظار دارد که خواننده نیز همراه با او مطالبی به این مجموعه بیفزاید یا نکاتی را یادداشت کند که به کاربرد و درک بهتر مطالب بینجامد.



برای خشک کردن نهایی کاغذها را در هوای آزاد آویزان می‌کنند.

ضخامت کاغذ مطرح می‌شود دو نوع برداشت از آن وجود دارد:

۱. ضخامتی که با روشهای استاندارد آزمایشگاهی اندازه‌گیری می‌شود.
۲. ضخامتی که به نظر می‌آید کاغذ داشته باشد. برای این دو نوع برداشت از ضخامت کاغذ دو واژه متفاوت وجود دارد که یکی را به ضخامت و دیگری را به زیردست کاغذ برگردانده ایم. اما در بحث اندازه‌گیری و تعریف مشخصات فیزیکی کاغذ کلمات دیگری نیز وجود دارد که یا از سر ساده‌انگاری یا در اثر اشتباه به ضخامت ترجمه شده است. برای آن دسته از لغتهای دیگر در همین ردیف که گاهی به اشتباه ضخامت ترجمه می‌شود، واژگانی نسبتاً ناآشنا در واژه‌نامه و متن کتاب به کار رفته است که از این جهت اجتناب‌ناپذیر بوده است. امیدواریم در آینده با کاربرد